

فرشته عدالت در چنگال سیاست

هخامنشی و همچنین موضوعات مربوط به پرداخت موجب کارکنان و روحانیون را به دست می دهد. در این الواح حتی دستورهای پیشرفته ای نظیر پرداخت حقوقی نصف حقوق مردان به زنان دولتی که تازه زایمان کرده اند و دفاتر سالیانه حسابرسی بدهکاران و بستانکاران دیده می شود که گویای یک نظام اداری مدرن و منظم برای دولتی است که بیش از نه میلیون کیلو متر مربع مساحت داشت. در این الواح وظایف و موجب کارگران و همچنین نام سرزمینهایی که این کارگران، از جمله مصر و هند و یونان از آن آمده بودند و در آن زمان بخشی از شاهنشاهی عظیم ایران بود، ثبت شده است.

دانشگاه شیکاگو در سال ۱۹۵۱ بیش از ۳۷ هزار عدد از این الواح را به ایران بازگردانده بود اما با وجود تلاش های دولت ایران در بعد از انقلاب که البته کافی و مستمر نبود، بقیه الواح همچنان در موزه فیلد باقی ماند. در سال ۱۳۸۳ و در پی انتشار کتاب غارت بزرگ آمریکایی آثار باستانی ایران - ۱۹۲۵ - ۱۹۴۱، توسط محمدقلی مجد مورخ ایرانی مقیم آمریکا که پرده از انتقال نامشروع الواح باستانی و تداوم غیرقانونی مالکیت بر آنها بر می داشت و همچنین در پی رایزنی های به عمل آمده با مسوولان این دانشگاه از سوی سازمان میراث فرهنگی، ۳۰۰ لوح گلی که حاوی اطلاعاتی در مورد زبانها و زندگی روزمره مردم در امپراطوری عظیم هخامنشی بود، به ایران بازگردانده شد.

اما تاراج اموال تاریخی ایران زمانی در حسرت انگیزترین قسمت داستان ضدیت غرب با تمدن شرق قرار گرفت که در سایه پرابهت فرشته عدالت یعنی قوه قضاییه تجلی یافت؛ جایکه دادگاه ایالت ایللی نوی حکم به مصادره الواح باستانی به نفع بازماندگان حادثه فروشگاه یهودا در سال ۱۹۹۷ داد. در ۴ سپتامبر ۱۹۹۷ یک فلسطینی با حمله به فروشگاه یهودا که یکی از مراکز اصلی در بیت المقدس و محل تجمع تعداد زیادی از یهودیان است، این محل را منفجر کرد که در اثر آن پنج نفر کشته و دهها تن مجروح شدند که در میان مجروحان چندین تبعه آمریکایی نیز وجود داشتند. تعدادی از کسانی که از این حادثه جان سالم به در بردند از گردشگران

رها از قید قانون و جدا از بند قاعده: حکم دادگاه آمریکایی به مصادره الواح باستانی ایران وقتی در فیلم سینمایی اسکندر کبیر محصول ۲۰۰۴ هالیوود، اسکندر مقدونی در آستانه ورود به سرزمین ایرانیان که چهار پنجم دنیای قدیم را تحت کنترل داشتند، به سربازان خود میگوید بدانید که ایرانیان برای پادشاه می جنگند و شما برای آزادی؛ می توان داستان طولانی مقابله و حسادت غرب در برابر تمدن شرق را فهمید که تا به امروز ادامه داشته است. برگاهی از این داستان غم انگیز در ارتباط با غارت آثار تاریخی تمدن شرق به ویژه ایرانیان توسط غربیان است. در دوران مظفرالدین شاه بدون درک اهمیت میراث منحصر به فرد نهفته در خاک این مرز و بوم، امتیاز انحصاری کاوشهای باستانی به فرانسویان سپرده شد و در دوران سلطنت رضا شاه با وجود اینکه قانون حفظ آثار ملی برای حفظ موارث فرهنگی به تصویب رسید اما دلالتی و خیانت برخی ایرانیان سرشناس و نفوذ آمریکاییان موجب به تاراج رفتن قسمت عظیمی از آثار باستانی شد که مهمترین آن، انتقال کمتر از چهل هزار لوح مربوط به دوران داریوش بزرگ است. طی حفاریهای باستان شناسی در سالهای ۱۹۳۳ و ۱۹۳۴ به سرپرستی «ارنست هرتزفلد» باستان شناس بزرگ دانشگاه شیکاگو در باروی تخت جمشید هزاران لوح گلی کشف شد. این الواح که به دوران داریوش اول تعلق داشت، پس از کشف از سوی موسسه شرق شناسی دانشگاه شیکاگو برای تحقیقات بیشتر از ایران به امانت گرفته شد. روی این الواح گلی که قدمتی ۲۵۰۰ ساله دارند، علاوه بر متون، آثار مهرهای هخامنشی با نقوش سلطنتی، صحنه شکار حیوانات و اسطوره ها نیز وجود دارد.

این الواح به زبان عیلامی و خط میخی اطلاعات بسیار زیادی از نظام اقتصادی، اجتماعی، سلطنتی و اداری دوره

خصوصی نیست.

در فصل نهم کتاب تعزیرات قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ از اموال تاریخی و فرهنگی حمایت کیفری شده است. از جمله مرتکب تخریب اموال تاریخی و فرهنگی طبق ماده ۵۵۸ مستوجب حبس از یک تا ده سال است. سرقت اموال مزبور یا خریدن یا پنهان داشتن اموال تاریخی و فرهنگی مسروقه طبق ماده ۵۵۹ دارای مجازات حبس از یک تا پنج سال است. قاچاق اموال مزبور نیز به استناد ماده ۵۶۱ مستوجب حبس از یک تا سه سال و پرداخت جریمه معادل دو برابر قیمت اموال موضوع قاچاق خواهد بود. اما این حمایت مقنن چندان جدی و همه جانبه به نظر نمی رسد؛ زیرا فارغ از منوط ساختن شکایت کیفری به اقدام سازمان میراث فرهنگی و همچنین قابل گذشت بودن جرایم علیه میراث تاریخی و فرهنگی، عنوان فصل به جای اینکه به عنوان جرایم علیه اموال تاریخی و فرهنگی اشاره کند به تعبیر تخریب اموال تاریخی، فرهنگی اکتفا کرده است. به همین دلیل جرایمی که در فصل نهم احصا شده نه تنها عملکرد احتمالی مسوولین دانشگاه شیکاگو و یا موزه فیلد در استنفکاف از عودت بقیه الواح باستانی به ایران یا حتی ارایه آنها به بازماندگان حادثه فروشگاه یهودا جرم نخواهد بود بلکه اقدام دادگاه آمریکایی در مصادره این اموال یا تصاحب آنها توسط شکات نیز از منظر قانون جزا مباح است و تنها با دستاویز قانون اساسی و مدنی می توان این اقدام را تقبیح کرد. اما اسناد بین المللی در مقایسه با مقررات داخلی ایران حمایت بیشتر و کامل تری از آثار تاریخی نموده اند. در زمینه حمایت از اموال تاریخی و فرهنگی چندین سند بین المللی وجود دارد. که مهمترین آنها عبارتند از:

۱- کنوانسیون مربوط به اتخاذ تدابیر لازم برای ممنوع کردن و جلوگیری از ورود و صدور و انتقال مالکیت غیر قانونی اموال فرهنگی مصوب ۱۴ نوامبر ۱۹۷۰ شانزدهمین اجلاس کنفرانس عمومی یونسکو که ایران در تاریخ ۱۳۵۳/۹/۱۷ به آن ملحق شده است.

آمریکایی بودند که در پی بازگشت به کشور خود علیه دولت ایران به بهانه حمایت های همه جانبه از حماس به دادگاه فدرال شکایت کردند آنان ادعا کردند حماس توسط دولت ایران حمایت مالی می شده و بنا براین ایران مسوول انفجار آن سال در بیت المقدس است.

در تیر ماه سال جاری (۱۳۸۵) در پی دادخواهی استارچمن، وکیل آمریکایی مدعیان، برای توقیف الواح مذکور، دادگاه فدرال ایالت ایلوی نوی تشکیل جلسه داد. وی در دادخواست خود ضبط و حراج الواح باستانی برای پرداخت غرامت به خانواده اسرائیلی هایی که یک یا چند تن از اعضای خانواده آنها توسط فلسطینی ها کشته شده اند، خواسته بود که مورد موافقت دادگاه قرار گرفت. دانشگاه شیکاگو با استناد به اینکه مالکیت این اشیا در انحصار دو موسسه دولتی موزه ملی ایران و نیز سازمان میراث فرهنگی است، کوشید مانع از صدور حکم دادگاه شود اما قاضی میننگ اصل مصونیت دولتی را ناکافی دانست و سرانجام به نفع شکات این پرونده رای داد. این دادگاه روز ۲۸ ژوئن ۲۰۰۶ (هفتم تیر ۱۳۸۵) حکم داد که آثار تاریخی متعلق به دولت ایران که در دانشگاه شیکاگو در ایالت ایلوی نوی به امانت گذاشته شده است حراج شود تا از درآمد حاصله به خانواده های پنج شهروند اسرائیلی تبعه آمریکا که نه سال پیش در انفجاری در بیت المقدس جان باختند غرامت پرداخت شود.

سستی و غرض ورزی رای صادره به قدری بدیهی و میرهن است که حتی استدلال در رد آن را بی اهمیت می کند، به طوری که جز رایحه تند سیاست چیز دیگری که رنگ و لعاب قانون و عدالت داشته باشد از آن استشمام نمی شود.

از حیث حقوق داخلی طبق اصل ۸۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، بناها و اموال دولتی که از نفایس ملی باشد قابل انتقال به غیر نیست مگر با تصویب مجلس شورای اسلامی آن هم در صورتی که از نفایس منحصر به فرد نباشد. در ماده ۲۶ قانون مدنی نیز آثار تاریخی اعم از اینکه منقول باشند یا غیر منقول در زمره اموال دولتی به حساب آمده و قابل تملک

ملاحظه می شود که طبق مقررات داخلی و بین المللی اموال تاریخی و فرهنگی متعلق به بشریت و غیر قابل اند و هرچند انتقال الواح باستانی به دانشگاه شیکاگو در قالب امانت مربوط به سالهای قبل از تصویب کنوانسیونهای مربوطه است اما در حال حاضر دانشگاه شیکاگو با استنکاف از برگرداندن الواح باستانی آن هم به مدت بیش از ۷۰ سال رفتاری خلاف مقررات داخلی و بین المللی در پیش گرفته، بلکه دادگاه آمریکایی نیز صلاحیت تعیین تکلیف نسبت به الواح مزبور را ندارد؛ چه الواح مزبور اساساً غیر قابل انتقال و حراج هستند.

فسارغ از این، از حیث قواعد حاکم بر حقوق جزا و اصول مربوط به مسوولیت کیفری و مدنی رای دادگاه مخدوش و فاقد وجهت منطقی و عقلانی است. اینکه چگونه و توسط کدام محکمه ثابت شده است که دولت ایران در حادثه یهودا دست داشته، هیچ فرایندی در رسیدگی محاکم آمریکایی مشاهده نمی شود و صرفاً از عملکرد و ادعای آنها نوعی تاثیر پذیری از جنجالهای سیاسی است. بر فرض اینکه ایران به گروه حماس در راستای انجام اقدامات تروریستی مساعدت مالی نموده باشد، در این حالت به لحاظ تسهیل وقوع جرم یا تحریک به آن در حد معاون جرم تلقی می شود و معاون جرم نیز دارای مسوولیت کیفری در قبال جرم ارتکاب یافته است نه مسوولیت مدنی. به عبارت بهتر برای جبران خسارت باید دید مباشر یا فاعل زیان زنده کیست. در حادثه یهودا اعضای حماس مباشر جرم بوده اند و همان ها مسوولیت جبران خسارت را دارند نه دولت ایران که اساساً در ارتکاب فعلی رفتار مجرمانه زیان زنده نقشی نداشته است.

نهایتاً رای دادگاه ایالت ایلوی نوی چهره سیاه مداخله سیاست در امر قضاوت را به تصویر کشیده و در ورای این مداخله، سرباز فرشته عدالت تا کجا پا می نهد که در آن عرصه نه قانونی می بیند تا به آن پایبند شود و نه اصول و قواعدی تا به آن تکیه زند. آن عرصه، عرصه لجام گسیخته سیاست است که:

هیچش قید و بند نکند و همه چیز به قید و بند بکند.

طبق ماده ۲ این کنوانسیون که ایالات متحده نیز به آن ملحق شده، دولتهای عضو کنوانسیون حاضر، می پذیرند که ورود، صدور و انتقال مالکیت غیر قانونی اموال فرهنگی یکی از علل اساسی فقر میراث فرهنگی کشورهای مبدأ این اموال است و همکاری بین المللی یکی از موثرترین وسایل حمایت اموال فرهنگی آنها در برابر کلیه خطرات ناشی از آن می باشد.

به این منظور، دولتهای عضو متعهد می شوند با وسایلی که در اختیار دارند با این اعمال مبارزه کنند و بویژه علل آنها را از میان بر دارند و جریان آنها را متوقف سازند و مساعدت کنند تا اصلاحات لازم انجام گیرند.

طبق ماده ورود، صدور و انتقال مالکیت اموال فرهنگی که بر خلاف تدابیر متخذ دولتهای عضو، به موجب کنوانسیون حاضر، صورت گیرد، غیر قانونی است.

۲- قرارداد لاهه برای حمایت اموال فرهنگی هنگام جنگ مصوب ۱۳۳۷/۱۲/۳ که ایران در تاریخ ۱۳۳۷/۱۲/۳ آن را تصویب نموده است.

طبق ماده ۴ این کنوانسیون طرف های معظم متعهد می نمایند اموال فرهنگی را چه در سرزمین خود و چه در سرزمین یکی از طرف های معظم متعهد محترم شمرده استفاده از اموال مزبور و از وسایل محافظت آنها و از مناطق مجاور آنها را به نحوی که در صورت وقوع جنگ موجب تخریب آنها یا آسیب به آنها باشد ممنوع ساخته و از هر عمل خصمانه ای در باب آنها خودداری نمایند.

طرف های معظم متعهد به علاوه تعهد می نمایند هر گونه عمل دزدی و چپاول و دستبرد به اموال فرهنگی را جلوگیری نموده، ممنوع و عنداللزوم متوقف سازد و نگذارند به هیچ وجه نسبت به آنها اقدامات تخریبی به عمل آید و از مصادره اموال فرهنگی منقول واقعه در خاک طرف متعهد معظّم دیگر خودداری نمایند.

۳- کنوانسیون حمایت از میراث فرهنگی و طبیعی جهان مصوب ۱۶ نوامبر ۱۹۷۲ هفدهمین اجلاس کنفرانس عمومی یونسکو که ایران در تاریخ ۱۳۵۳/۱۰/۸ به این کنوانسیون ملحق گردیده است.